ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۱۳۰۰_۸۸۵۰ ■ ۸۸۷۴۶۵۸۳_ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۹- شماره ۶۶۸۵

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

WWW.INN.IR

info@inn.ir

گزارش آخر

علی بابازاده

داستان تحقیر شالکه؛ آبی‌های سلطنتی قعرنشین بوندس لیگا!

سیاست‌های دریش گرفته شده توسط مدیران باشگاه شالکه، حاصلی جز کسب نتایج تحقیرکننده نداشته است! مدیران تیم هرجا در تنگناهای اقتصادی قرار گرفته‌اند، دست به فروش ستاره‌های جوان خود زده و با شنیدن هر صدای اعتراضی در سکوهای ورزشگاه «ولتینس آرنا» حکم به اخراج سرمربی خود می‌دهند. همیشه آبی‌های سلطنتی را به عنوان یکی از سهمیه‌های فوتبال آلمان در لیگ قهرمانان می‌شناختیم ولی نه تنها در مسابقات فصل جاری بوندس لیگا امکان کسب سهمیه‌های اروپایی از بین رفته، بلکه تمامی تلاش بازیکنان و کادرفنی بر این است تا جلوی سقوط این تیم اشرافی را به دسته پایین ترو بوندس لیگای ۲ بگیرند.

داستان تحقیر شالکه طی سالیان اخیر به دلایل و شخصیت‌های زیادی وابستگی دارد اما سرآغاز این ماجرا به مدیران باشگاه برمی‌گردد؛ آنها موافق دائم و همیشگی کسب درآمد از فروش ستاره‌ها بوده‌اند و برای جلوگیری از خروج آنها تلاشی نمی‌کنند. شالکه هیچ‌گاه به فکر حفظ بازیکنان مستعد خود نبوده و قافیه را همیشه به رقبایی چون بایرن مونیخ و دورتموند واگذار می‌کند. نکته اساسی اینجاست که بخش عظیمی از سرمایه‌های باشگاه به صورت قرارداد آزاد ولتینس آرنا را ترک کرده و سودآوری قابل توجهی برای باشگاه ندارند! بسیاری از هواداران مخالف کسب درآمد از راه فروش بازیکنان نیستند و به خوبی می‌دانند که هر فوتبالیستی برای رسیدن به جام‌های بیشتر، باید به باشگاه‌های بزرگ‌تر نقل مکان کند ولی با تمام این تفاسیر جنجال بین آنها و مدیران از جای دیگری به تنش کشیده می‌شود؛ باشگاه در عقد قرارداد طولانی مدت با ستاره‌های خود عاجز است و آنها پس از یک یا دو سال درخشش در جمع آبی‌ها، طعمه غول‌های اروپایی بخصوص بایرن مونیخ می‌شوند.

کوتاه آمدن و موافقت کردن در قبال خواسته‌های بازیکنان، رفتار همیشگی مدیران ورزشی باشگاه شالکه بوده و این سیاست از آگوست ۲۰۱۶ تا به امروز تغییری نکرده. در آن سال کریستین هایدل مدیر اجرایی باشگاه خبر جدایی لروی سانه را رسانه‌ای کرد و بنا بر عادت همیشگی مخالفتی با این تصمیم وجود نداشت: «لروی تصمیم خود را به روشنی اعلام کرده و قصد دارد در همین تابستان باشگاه را ترک کند. راهی جز موافقت برای ما باقی نمانده و خواسته او را پذیرفته‌ایم!» انتقادهای سالیان اخیر طرفداران کاملاً به حق بوده و اگر لیست بازیکنان فروخته شده شالکه طی سالیان اخیر را مرور بکنیم، از قعرنشینی حال حاضرشان تأسف خواهیم خورد؛ جدای از لروی سانه، جولین دراکسلر، ایوان راکیتیچ، مانوئل نویر، مسوت اوزیل، لئون گورتزکا، تالدو، سباستین رودی و ووستون مک کنی تنها بخشی از نفرات جدید و قدیم شالکه هستند که به صورت قرضی و یا انتقالی دائم از جمع آبی‌های سلطنتی جدا شده‌اند. در فصل جاری بوندس لیگا شرایط برای شاگردان کریستین گروس فاجعه‌بارییش می‌رود؛ حاصل ۱۸ مسابقه برای آنها در لیگ چیزی جز کسب تنها یک برد، ۴ تساوی و ۱۳ شکست نبوده است. ۹ ژانویه و در هفته پانزدهم بوندس لیگا تنها پیروزی فصل شالکه رقم خورد و آنها توانستند با نتیجه ۴ بر صفر هوفنهایم را شکست دهند. اولین برد آنها پس از گذشت یک سال در شرایطی رقم خورد که تغییری در روند نزولی تیم ایجاد نکرد و ۷ امتیازی شدن شالکه مانع از قعرنشینی آنها نشد؛ ۴۸ گل خورده در ۱۸ بازی حاکی از آن است که سیاست‌های مدیران در راستای برکناری مربی‌ها نیز شکست خورده. کریستین گروس ۶۶ ساله و سوییسی آخرین نفر از لیست مربیان فصل جاری شالکه برشمرده می‌شود؛ دو هفته ابتدایی بوندس لیگا با دیوید واگنر سپری شد و با خت ۸ بر صفر برابر باین مونیخ و ۳ بر یک مقابل وردربرمن باعث اخراج او شد! پس از آن میراث شالکه تحقیرشده به بانوم و هوب استیونز رسید و با بدتر شدن شرایط باشگاه به سراغ گروس رفت. بزرگترین دستاورد این جابه‌جایی‌ها سبک‌تر شدن شکست برابر باین مونیخ بود؛ باخت ۸ گله در دیدار رفت مقابل باواریایی‌ها در بازی برگشت و با هدایت مربی سوییسی به شکستی ۴ بر صفر تبدیل شد و شاگردان هانسی فلیک برای قطعی کردن کسب ۳ امتیاز تنها به ۳۰ دقیقه زمان نیاز داشتند. گل‌های سرژگنابری، لئون گورتزکا و رابرت لواندوفسکی در همان ۳۰ دقیقه اول شالکه قعرنشین را مات و مبهوت کرد.

نایب قهرمان فصل ۲۰۱۸-۲۰۱۷ بوندس لیگا تمامی رکوردهای منفی را به نام خود ثبت کرده و این ضعیف‌ترین شروع و بدترین عملکرد آنها در تاریخ بوندس لیگاست؛ کسب بدترین خط حمله و ضعیف‌ترین خط دفاع لیگ آلمان حاصل همکاری تیم مدیریتی فاجعه در کنار مربیان سطح پایین است. در حالی کریستین گروس به عنوان سرمربی جدید برگزیده شد که تمامی هواداران در انتظار یک نام بزرگ‌تر بوده و باور اینکه مرد سوییسی پس از سال‌ها کار در مصر و عربستان، در نقش یک منجی ظاهر شود و از سقوط شالکه جلوگیری کند، برای شان سخت است. تمامی رسانه‌ها و کارشناسان از تک قطبی بودن بوندس لیگای آلمان شکایت دارند ولی مگر می‌شود دلیل اصلی این اتفاق را افت بزرگانی چون هامبورگ، شالکه، اشتوتگارت و یا کلن ندانست؟ بایرن مونیخ خواسته یا ناخواسته در تضعیف رقبایش دست داشته و در این میان اوضاع شالکه به شدت بحرانی است؛ ستاره‌ها یکی پس از دیگری به فروش می‌رسند و مدیران باشگاه بیشتر از آن که به کسب پیروزی، موفقیت بازیکنان و تیم فنی فکر کنند، سرمربی اخراج می‌کنند!

کلاس‌یان هونتلار و سئاد کولاشیناج دوتن از مهره‌های نه چندان قدیمی باشگاه دوباره به ولتینس آرنا بازگشته‌اند و شالکه را در راستای ماندن در بوندس لیگا کمک خواهند کرد. چه بهتر که تمامی بازیکنان به جای تلاش در فصل آینده برای «بازگشت به بوندس لیگا»، در همین فصل و برای «ماندن در بوندس لیگا» تلاش و تمرکز کنند!

عکس روز

سردرگریبان

عکس خیره کننده‌ای است. اول آدم فکر می‌کند با فتوشاپ سر سفروویچ را در آورده‌اند اما با اندکی دقت مشخص می‌شود مهاجم بنفیکا به نشانه حسرت از موقعیت‌های از دست رفته در بازی با ناسیونال، سردر گریبان کرده. بنفیکا با تساوی یک بر یک مقابل این تیم در رده سوم جدول فوتبال پرتغال باقی ماند. ۲ امتیاز کمتر از پورتو و ۳ امتیاز کمتر از اسپورتینگ. امسال لیگ پرتغال حسابی جذاب است و مثلث قهرمانی بین قدرت‌های سنتی این لیگ تشکیل شده. هر امتیازی مخصوصاً مقابل تیم‌های میانه جدولی حیاتی به نظر می‌رسد.

کاریکاتور

حمید سحری

این کاریکاتور را حمید سحری، کاریکاتوریست خوب کشورمان در اینستاگرامش منتشر کرده و نوشته: «همه مربیان معروف دنیا یک تاریخ تولد دارند و یک تاریخ اخراج توسط رومن آبراموویچ». در طرح مالک روس چلسی دیده می‌شود. در حالی که پول‌هایش را آتش زده و مانند یک شکارچی کمر به بریدن سر شکارهایش (مربی‌های معروف دنیا) بسته.

در چنین روزی

۸ بهمن ۱۳۸۱

داورزنی به عنوان سرپرست فدراسیون چوگان منصوب شد

حسن مهرعلیزاده معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان تربیت بدنی، طی حکمی «محمدرضا داورزنی» را به سمت سرپرست فدراسیون چوگان منصوب کرد.

فدراسیون چوگان روز دوم بهمن ماه جاری به پیشنهاد مشترک فدراسیون سوارکاری و کانون چوگان و همچنین موافقت ریاست سازمان تربیت بدنی راه اندازی شده بود.

در حکم رئیس سازمان تربیت بدنی که روز سه‌شنبه نسخه‌ای از آن به ایرنا نمابر شده از «داورزنی» خواسته شده است که با برنامه ریزی‌های لازم، زمینه گسترش ورزش چوگان را فراهم کند و در اسرع وقت تمهیدات لازم برای انجام امر قانونی از جمله تشکیل هیأت‌ها و برگزاری مجمع عمومی را فراهم آورد.

در حکم معاون رئیس جمهوری همچنین بر برنامه‌ریزی لازم جهت ایجاد ساختار مناسب، توسعه فعالیت‌های این رشته در داخل و خارج از کشور، فراهم نمودن زمینه استقلال مالی از طریق توسعه و تقویب باشگاه‌ها و نیز یافتن حمایتگران مناسب تأکید شده است.

داورزنی ریاست فدراسیون سوارکاری را نیز برعهده دارد. امروزه در جهان ورزش چوگان دارای فدراسیونی مستقل است که همواره در عرصه‌های ملی و بین‌المللی فعالیت دارند.

تک به تک

میعاد تیک

شکستی بر اساس اختلافات خانوادگی

کوهی که موش زایید!

گرچه معمولاً علل شکست یک تیم در ابعاد فنی و تاکتیکی بررسی می‌شود اما اوضاع بحرانی دو سوی سرخابی پایتخت حاصل حواشی مدیریتی و اتفاقات پیرامون اردوی این دو تیم است. پرسپولیس در بهترین شرایط ممکن و در روزی که می‌توانست از عقبگرد رقبا برای صعود به رده‌های بالاتر لیگ برتر استفاده کند؛ به خودش، سرمربی بهانه جویش، اشتباهات پرتکرار مهاجمانش و حواشی بی‌پایانش باخت تا تنها خط تیره جدول رده‌بندی لیگ بیستم در دوازدهمین هفته پاک شود.

اولین باخت تیم پرسپولیس در مسابقات لیگ امسال شاید از زوایای فنی و تکنیکال هم قابل بررسی باشد و بتوان رگه‌هایی از دلایل شکست سرخ‌ها در اراک را با نگاهی به اشتباهات سیستمی درک کرد اما مهم‌ترین مشکل تیم پرسپولیس در روزهای اخیر بروز تنشی خودخواسته بین سرمربی و رئیس برکنار شده هیأت مدیره باشگاه بوده که نتیجه‌اش به این شکست عجیب ختم شد. آرامش روحی و روانی بازیکنان پرسپولیس با دعواهای عجیب مهدی رسول‌پناه و یحیی گل‌محمدی آسیب دید اما سرمربی پرسپولیس به‌جای عقب‌نشینی از مواضع عموماً یکطرفه خود و فروخواباندن آشفتگی، هر روز بنزین این آتش را تشدید کرد.

پرسپولیس از لحاظ مهره‌ای هیچ کم ندارد؛ کسانی که دستان یحیی گل‌محمدی را بسته می‌دانند و بازیکنان باکیفیت او را کم شمار، باید از سرمربی‌شان بپرسند که چرا چنین تیمی را بسته و چنین بازیکنان بی‌کیفیتی را با بالاترین ارقام ممکن به خدمت گرفته. یحیی خوب می‌دانست که برای چه مقاصدی تیمش را بسته و قطعاً برای چنین روزهایی هم برنامه داشت اما حالا که گاو در اردوی سرخ زاییده که نباید فرافکنی کند و زمین تا آسمان را برای بافتن مقصر به هم بدوزد!

چنین اختلافات و مشکلاتی تنها باید درون خانواده و در بایکوت خبری حل و فصل شود، نه اینکه اسرار مگو به گود رسانه‌ای بیاید تا روز به روز هیمنه آتش دشمنی‌ها افزون‌تر شود. پرسپولیسی‌ها نباید از وزیر و مدیرعامل و رؤسای خود شاکی باشند، علت اصلی این شکست روی نیمکت تیم نشسته و او باید مورد بازخواست قرار بگیرد.

گزارش یک

سام ستارزاده

پرونده

گزیده شدن از یک سوراخ

خودروی سرخ نیازمند بنزین سبز

با وجود تمام رکوردهای فتح شده و مرزهای جابه‌جا شده توسط پرسپولیس در زمان برانکو ایوانکوویچ، یک نقطه ضعف در سرمربی سابق سرخ‌ها غیرقابل انکار بود. هرچند عدم توجه کافی به جوانگرایی پشت نتایج رویایی پرسپولیس سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ پنهان بود اما در مقطعی پس از نایب قهرمانی لیگ قهرمانان ۲۰۱۸، آثار سوء آن در اردوگاه سرخ‌ها و در شرایطی که پنجره نقل‌وانتقالاتی آنها نیز مسدود شده بود، به‌خوبی حس شد. حال که قرمزها در موقعیتی تقریباً مشابه دو سال قبل و این بار با یحیی گل‌محمدی از عمق کم اسکوآد خود می‌نالند، نیاز به بنزین سبز برای ادامه حرکت در مسیر قهرمانی پنج‌باره رابیش از هر زمانی احساس می‌کنند.

گل‌محمدی در اراک ناچار شد جای خالی زوج سیدجلال-کنعانی در قلب خط دفاع را با سیداحسان حسینی و مهدی شیری پر کند. احسان حسینی، یک مدافع میانی ۱۸۵ سانتی‌متری است، یعنی ۳ سانتی‌متر بلندقامت‌تر از کاپیتان جلال. با این حال و با وجود هافبک‌های دفاعی سرزنی همچون احمد نوراللهی و کمال کامیابی‌نیا که گل اول پرسپولیس را نیز با ضربه سر به ثمر رساند، روی دو ضربه ایستگاهی مشابه تسلیم می‌شود؛ یعنی دوبارگزیده شدن از یک سوراخ. شکی نیست که اگر مدافعان میانی اصلی پرسپولیس بودند، می‌توانستند از حداقل یکی از این دو گل جلوگیری کنند. ولی یک احسان حسینی باتجربه‌تر نیز توانایی انجام چنین کاری را داشت.

گابریل کالدرون را می‌توان جسورترین سرمربی پنج سال اخیر پرسپولیس دانست. معرفی مهدی عبدی که در سه بازی بزرگ سرخ‌پوشان در چند ماه اخیر پایش به گلزنی باز شده، دستاورد خطرپذیری این سکاندار آرژانتینی است. در اواخر لیگ بیستم و البته نقل‌وانتقالات تابستانی، با خرید جوانانی نظیر علی شجاعی و محمدمهدی مهدی‌خانی و البته میدان دادن به سعید حسین‌پور، تصورات بر این بود که یحیی نیز راه کالدرون را ادامه خواهد داد، بدون اینکه جوانگرایی برای وی به یک توفیق اجباری بدل گردد.

در مورد دو خرید تابستانی جوان پرسپولیس، به‌ویژه مهدی‌خانی که یحیی با سبک بازی‌اش آشنایی کامل دارد، اگر پرسپولیس می‌خواهد در فاز حمله با کمبود بازیکن گلاویز نباشد و ناگزیر به قرار دادن احمد نوراللهی در پست غیرتخصصی نباشد، چاره کار اعتماد به این دو است. در دفاع، احسان حسینی و حسین‌پور به اعتماد، تجربه و در نتیجه، زمان بازی بیشتر نیاز دارند و کادرفنی پرسپولیس با این انتخاب، دست خودش را بازتر خواهد دید. ارتش سرخ می‌تواند (و باید) با چند خرید باکیفیت در بازار زمستانی مشکل کمبود بازیکن در پست‌های کلیدی‌اش را تا حدودی مرتفع کند ولی نباید تنها به این خریدهای اسم و رسم‌دار اکتفا کند.

در زمان مربیگری ایوانکوویچ عدم توجه کافی به جوانگرایی پشت نتایج رویایی پرسپولیس سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ پنهان بود اما در مقطعی پس از نایب قهرمانی لیگ قهرمانان ۲۰۱۸، آثار سوء آن در اردوگاه سرخ‌ها و در شرایطی که پنجره نقل‌وانتقالاتی آنها نیز مسدود شده بود، به‌خوبی حس شد.

کالدرون را می‌توان جسورترین سرمربی پنج سال اخیر پرسپولیس دانست. معرفی مهدی عبدی که در سه بازی بزرگ سرخ‌پوشان در چند ماه اخیر پایش به گلزنی باز شده، دستاورد خطرپذیری این سکاندار آرژانتینی است

کرنر

مازیار گیلکان

راه عجیبی که گل‌محمدی انتخاب کرد

آنچه بین یحیی گل‌محمدی و مدیریت باشگاه پرسپولیس می‌گذرد، فارغ از اینکه کدام سوی این جدل حرف‌های منطقی به زبان می‌آورند، تمرکزی برای سرمربی پرسپولیس و باشگاه پرسپولیس و حتی بازیکنان پرسپولیس باقی نمی‌گذارد که منجر به بهترین نمایش قرمزها شود.

بدیهی است که در این بلبشو، آنچه از بین می‌رود مسأله فوتبال و بازی و تمرکز روی موضوعات فنی است. تصور اینکه در این گیرودار، مسائل فنی تیم در ذهن مربیان و بازیکنان اولویت باشد، دور از ذهن است.

پرسپولیس اگر وسط این معرکه‌ای که یحیی گل‌محمدی و مهدی رسول‌پناه ساخته‌اند، در نتیجه‌گیری موفق بود، می‌توانست بسیار مایه تعجب و تحسین باشد. روند این روزهای پرسپولیس در بازی‌ها اما مایه تعجب و سؤال برانگیز نیست و دلایلش روشن است.

یحیی گل‌محمدی در اظهاراتی عجیب می‌خواهد خیال خودش را راحت کند: «رفتن رسول‌پناه دیگر دردی از ما دوا نمی‌کند و ایشان چند ماه اینجا بودند اینقدر مشکلات شکل دادند که انگار با بولدوزر از روی تیم رد شده است. کسی هم از او سؤالی نمی‌کند. متأسفانه شرایطی برای پرسپولیس رقم زدند که نمی‌خواستند امسال تیم ما نتیجه بگیرد و پنجمین قهرمانی را به دست بیاوریم. تیمی که برای فوتبال و کشورمان آبرو کسب کرده اما بعد از رفتن به فینال اینقدر مشکل برای آن شکل بگیرد طبیعی نیست و معتقدم دست‌های زیادی در کار بود تا نگذارند این تیم راهش را ادامه دهد.»

یحیی گل‌محمدی انگار از همین لحظه می‌خواهد تلاش برای موفقیت را ترک کند و بهانه‌جویی را ادامه دهد و هیچ مسئولیتی را نپذیرد. فارغ از اینکه رسول‌پناه چه عملکردی داشت، حرف‌های گل‌محمدی جز ناامیدی برای موفقیت مفهوم دیگری ندارد.

تیمی که دچار این مرض‌ها شده باشد، فوتبال را و مسیر موفقیت را فراموش می‌کند. یحیی گل‌محمدی حتماً می‌داند چه مسیری را انتخاب کرده است و اینکه چرا در این مسیر قدم برمی‌دارد، حیرت‌آور است. پرسپولیس با این حرف‌ها توقع را از خودش کم و کمتر می‌کند و این سیاست جالبی برای اداره امور فنی تیم نیست اما گل‌محمدی این راه را انتخاب کرده و علاقه‌ای به تغییر مسیر ندارد.

نفر به نفر

سامان موحدی راد

فرار رو به جلو در عوض حل مشکلات

به‌جای رسول‌پناه روی تیمت تمرکز کن

تیمی که تا هفته یازدهم رقابت‌های لیگ برتر تنها دو پیروزی در کارنامه‌اش داشت توانست اولین شکست پرسپولیس را به آنها تحمیل کند. شاید برای گفتن این حرف زود باشد اما به نظر می‌رسد شکستی که رسول خطیبی و شاگردانش به پرسپولیس چشاندند به معنی پایان یک دوران برای سرخ‌پوشان پایتخت هم باشد. دورانی که آنها بهترین تیم فوتبال ایران بودند و حالا به پایان رسیده. یحیی گل‌محمدی می‌تواند پشت تخریب رسول‌پناه پنهان شود و هنوز هم او را عامل تخریب تیمش بداند اما همه می‌دانیم که اتفاقات درون زمین بیشتر از هر کسی به مربی وابسته است. به ویژه اینکه عمده خواسته‌های او در فصل نقل و انتقالات برآورده شده.

اگرچه آرمان رمضانی این روزها به سبیل انتقادات هواداران پرسپولیس تبدیل شده اما نباید فراموش کرد که همین بازیکن هم با نظر مستقیم یحیی گل‌محمدی جذب شده است. به هر حال شکست برابر آلومینیوم نه یک اتفاق که زنجیره‌ای از اتفاقاتی است که در چند هفته اخیر در پرسپولیس رخ داده است. این اتفاقات تنها به رسول‌پناه و شیوه افتضاح مدیریت ربط ندارد و به یحیی گل‌محمدی هم مربوط است. مردی که این روزها بیش از آنکه به تیمش توجه کند و تمرکزش روی مسائل فنی تیمش باشد به دعوای خودش با مدیریت باشگاه ادامه می‌دهد و به این ترتیب تیمش از ارائه یک بازی روان و جذاب در زمین هم باز می‌ماند. یحیی می‌تواند رسول‌پناه را با بولدوزر مقایسه کند اما نباید فراموش کند که این تیم اوست که نمی‌تواند برتری را حفظ کند و امتیازات رایکی پس از دیگری از دست می‌دهد. از دست دادن برتری در دقایق پایانی بی‌شک یک ایراد فنی است و مقصر ایرادات فنی هم حتماً سرمربی تیم است.

یحیی گل‌محمدی همچنین نشان داده که در مواقعی که تحت فشار است خلاقیت چندانی برای استفاده از بازیکنانش ندارد و استفاده از آنها در پست‌های غیرتخصصی بعضاً فاجعه هم آفریده است. نمونه‌اش هم گل‌هایی است که در نبود سیدجلال حسینی و از قلب خط دفاعی دریافت کرده است. ترکیب احسان حسینی و مهدی شیری برای خط دفاعی می‌توانست خیلی جسورانه باشد اما با فاصله بعد از دریافت دو گل معلوم شد که چندان هم حساب شده نبود و این اتفاقی است که برای چندمین بار برای یحیی گل‌محمدی رخ داده است.

نکته مهم‌تر اما پاشنه آشیل واقعی پرسپولیس است و آن اینکه آنها توانایی حفظ برتری را ندارند. چه اول بازی مقابل آلومینیوم به گل برسند و چه مثل بازی استقلال در نیمه دوم ورق را برگردانند به هر حال خیلی محتمل است که تیم یحیی برتری را با تساوی یا شکست عوض کند. مربی‌های ایرانی در این فصل فرصت حضور ۱۰۰ درصدی روی نیمکت تیم‌های لیگ برتری را به مدد قانون منع به کارگیری خارجی‌ها به محلی برای جنجال و فرافکنی تبدیل کرده‌اند. به جای آنکه پاسخگوی مسائل فنی تیم‌شان باشند مدام در حال حاشیه‌سازی و فرار رو به جلو هستند. همین موجب شده تا حواس تیم‌ها از اصل ماجرا پرت شود.